نگاه

تعارف با قانون

امیر بختیاریان . روزنامه‌نگار

● تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری در سال ۱۳۸۶ این امید را در اذهان جامعه اداری ایران ایجاد کرد که با اجرای این قانون، بخشی از ناعدالتی‌ها در پرداخت حقوق و مزایا ترمیم شود. البته در عمل این اتفاق نیفتاد. احتمالا یکی از دلایل آن هم در همین مصوبه مجلس نهفته بود. در ماده ۱۱۷ این قانون، تعداد زیادی از سمت‌ها و نهادهای اداری ایران از شمول اجرای این قانون معاف شده بودند؛ درواقع از همان ابتدا قرار بر این نبود همه کارکنان نهادهای اداری در ایران زیر چتر یک قانون واحد بروند و صرفا دستگاه‌های وابسته به دولت شامل بیشتر وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای وابسته به قوه قضائیه بود که زیر چتر این قانون رفتند. در همان ماده قانونی پیش‌گفته، خیلی‌ها ازجمله اعضای هیأت‌علمی، قضات و مجموعه دیوان محاسبات زیر چتر قانون نرفتند.

چنین تبعیضی نشان می‌داد چانه‌زنی و نفع شخصی در مسیر تدوین و تصویب این قانون، وارد شده است و تعداد درخور توجهی از سمت‌ها و نهادها بنا نیست در چارچوب یک قانون واحد مدیریت شوند. این تبعیض در مرحله تدوین و تصویب متوقف نماند و در اجرا هم همین شرایط به قانون تحمیل شد. فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری که مربوط به حقوق و مزایای کارکنان می‌شود از همان سال‌های اول اجرا، با استفاده از روش‌های مرسوم چانه‌زنی محملی برای ایجاد تبعیض در پرداخت‌ها میان دستگاه‌های اجرائی شد.

برای نمونه در این فصل پیش‌بینی شده است که فوق‌العاده ویژه‌ای در موارد خاص باتوجه به عواملی از قبیل بازارکار داخلی و بین‌المللی، ریسک‌پذیری، تأثیر اقتصادی فعالیت‌ها در درآمد ملی، انجام فعالیت و وظایف تخصصی و ستادی و تحقیقاتی، حساسیت کار برای برخی از مشاغل و در برخی از دستگاه‌ها، درنظر گرفته شود. با اینکه در این ماده قانونی از عبارت «خاص» استفاده شده است و گویا قرار نبوده است بهانه‌ای عمومی برای افزایش حقوق دستگاه‌ها شود؛ اما در عمل به‌تدریج هر دستگاهی که قدرت چانه‌زنی بیشتری داشت، توانست با استفاده از این مجوز، بار خودش را ببندد و سهم بیشتری را عاید پرداخت‌های پرسنلی کند.

نهایتا هم کار به جایی رسید که اخیرا در اثر جنجال خبری حقوق بالای برخی از مدیران دولتی، گویا مقررشده عموم کارکنان دولت از این فوق‌العاده منتفع شوند.

مشکل اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری به همین‌جا ختم نمی‌شد. با اینکه در این قانون شرط ورود به دستگاه دولت، شرکت در آزمون استخدامی درنظر گرفته شده، در ماده ۳۲ همین قانون باز هم با تأکید بر «موارد خاص» به دستگاه‌ها اجازه داده شده است تا در ۱۰ درصد از پست‌های سازمانی مصوب، بدون تعهد استخدامی، افرادی را به صورت ساعتی یا کار معین برای حداکثر یک‌سال به‌کار بگیرند. همین تبصره قانونی که قرار بود صرفا در موارد «خاص» و برای مدتی کمتر از یک‌سال ابزاری برای به کارگیری معدودی نیرو باشد، دروازه‌ای برای ورود خیل چندده و به روایتی چندصدهزارنفری نیروهای قراردادی به بدنه دولت شد. در زمان دولت پیشین و در زمان حکمرانی لطف‌اله فروزنده، معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، مجوزهای بسیار زیادی با توسل به همین تبصره خاص، موجب فربه‌شدن بدنه دولت شد. حالا این روزها فروزنده در گفت‌وگو با سایت «الف» به حقوق شش میلیون‌و ۷۰۰ هزار تومانی خودش افتخار می‌کند و نمی‌گوید تصمیمات او در زمان یادشده چه هزینه چند صدمیلیاردی را به دولت برای سالیان طولانی تحمیل کرده است؛ تا جایی که وزیر نفت، همین روزها از مازاد نیروی یک‌صدهزار نفری در وزارتخانه‌اش خبر می‌دهد.

بنابراین مشکل تورم بیش از حد نیروی انسانی در دولت، به دلیل بار احساسی ضدمردمی بودن آن زیاد جدی گرفته نمی‌شود و حقوق بالای مدیران، تیتر می‌شود. اتفاقی که باید در جای خودش مایه سرافکندگی مدیرانی باشد که به ۱۰، ۲۰ و ۳۰میلیون رضایت نداده و به محاسبه «الف» برخی از آنها با لحاظ قدرت خرید در ایران چند برابر رئیس‌جمهور آمریکا دریافتی سالانه داشته‌اند.

واقعیت این است که حقوق بالای مدیران به تنهایی مشکل مهم نظام اداری ایران نیست؛ البته نماد روشنی بر وجود بی‌اخلاقی و بی‌عدالتی در عملکرد چنین کارگزارانی است. کسانی که بعید است خارج از موازین قانونی به چنین دست‌اندازی‌های بزرگی اقدام کرده باشند، اما در این میان غرور و اعتبار یک دولت را خرج خود کرده و روح قوانین را به مسخره گرفته‌اند.

قصه نظام اداری در ایران دنباله‌ای دراز دارد. حقوق‌های آن‌چنانی به‌جای خود؛ باید مشکل را جدی‌تر پنداشت و به‌طور اساسی‌تری برای حل آن اقدام کرد. در غیر این صورت هر روز باید منتظر اخبار جدیدی از دست‌اندازی‌ها باشیم.

۸۴ درصد سرمایه‌های صنعت فراری شد

ادامه از صفحه ۱۰

از این صنایع گاهی استفاده ابزاری و در جهت پرکردن کسری بودجه استفاده شده است برای نمونه کارخانه ارج است که به‌تازگی در رسانه‌ها مشکلات آن مطرح شد. جالب اینجاست درحالی‌که بانک‌ها شرکت‌های دولتی را تأمین مالی نمی‌کنند اقدام به ایجاد شرکت‌های ساختمانی یا سرمایه‌گذاری می‌کنند تا همان‌گونه که وزیر ارتباطات گفت، به صورت ضربدری به شرکت‌های ساختمانی همدیگر وام دهند اما از دادن وام و اعتبار به بخش‌های مولد صنعت و کشاورزی سر باز می‌زنند یا با هزینه بسیار بالا به آنها وام می‌دهند که همین نیز موجب دلسردی آنها از فعالیت‌های مولد شده است.

۳- صنایع بسیار قدیمی با تکنولوژی کهنه

اغلب صنایع کشور در دهه ۴۰ ایجاد شده‌اند که در زمان خود مناسب بودند اما در طول نزدیک به نیم قرن، تکنولوژی خود را به‌روز نکرده‌اند. به‌طورکلی صنایع کشور نیاز به بازسازی، نوسازی و تجدید ساختار دارند. هزینه استهلاک بالاست، کیفیت نیز متناسب با تغییرات امروز دنیا نیست. هزینه بالا و کیفیت پایین به این صنایع امکان رقابت‌مندی را با واردات نمی‌دهد. تأکید بر تغییرات ساختاری با هدف ارتقای سطح تکنولوژی و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش صنایع کارخانه‌ای، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر صنعتی است. برای رقابت در عرصه جهانی لازم است توانمندی تکنولوژیکی و ظرفیت تولید داخلی بالا برده شود و زیرساخت‌های لازم دراین‌باره فراهم شود. توانمندسازی صنعتی از طریق سیاست‌های صنعتی و اقتصادی مناسب امکان‌پذیر است. باید توجه داشت نوآفرینی تکنولوژیکی، کالاهای عمومی نیستند که به‌آسانی و مجانی در سراسر دنیا انتشار پیدا کنند. بخش عمده آنها به توانایی‌های پنهان ارتباط دارند که در نتیجه کار و تلاش درونی و یادگیری ضمن کار به دست می‌آیند. بنابر این باید سیاست‌های اقتصادی به نحوی باشد که برای فعالان و علاقه‌مندان در بخش صنایع کارخانه‌ای انگیزه ایجاد کند حتی اگر دادن مزایا به این بخش منجر به رانت هم شود آن‌گونه که برخی ابراز نگرانی می‌کنند، اما در اقتصادی مانند ایران که سرمایه‌ها تمایلی به ماندن در صنعت ندارند، باید همه تلاش‌ها صورت گیرد تا تمایل به ماندن در این بخش که برای پیشرفت کشور تنها شانس و جایگزین نفت است، به وجود آید. دراین‌باره تأمل لازم با دارندگان تکنولوژی برتر صنعتی، بسیار مهم و ضروری است.

۴- فقدان نهادهای حقوقی و قانونی کارآمد

تعریف درست و اجرای کامل حقوق مالکیت یک اصل اساسی و ضروری برای توسعه صنعتی است. بخش اعظم صنایع بزرگ کشور در وضعیت نامعلومی به سر می‌برند و برای آنها تعیین تکلیف نشده است. صنایع خصوصی یا خصولتی‌ها نیز در زمینه مالکیت خود دید روشنی ندارند. نحوه مدیریت شرکت‌ها هم مشکلات خاص خود را دارد. مردم هنوز از حقوق خود در اقتصاد در ارتباط با بیمه، ادارات کار، مالیات و حتی شهرداری‌ها احساس ناامنی می‌کنند. هنوز برای انجام فعالیت‌های تولیدی فضای کسب‌وکار مساعد نیست. بوروکراسی و کاغذبازی، فساد و رانت و قوانین بازدارنده کار، مشکل بسیار جدی فعالیت‌های تولیدی در بخش صنعت است.

۵- تحریم‌های بین‌المللی

تحریم‌های بین‌المللی نه‌فقط دسترسی کشور به تکنولوژی مدرن را برای صنایع دشوار و امکان استفاده از تجارت خارجی را برای صادرات و واردات مشکل کرده، بلکه باعث افزایش فعالیت‌های غیررسمی، قاچاق، فعالیت‌های خدماتی و غیرتولیدی و تجارت پول در کشور شده است. بی‌ثباتی و تنش‌های مربوط به تحریم‌های بین‌المللی موجب فرار سرمایه‌ها از بخش‌های صنعتی که دیربازده و کم‌بازده هستند به سمت فعالیت‌های پربازده شد و همین موضوع عقب‌ماندگی صنایع کشور را رقم زد. اگرچه در زمینه سیاست خارجی و تنش‌زدایی بین‌المللی و حل مسئله برجام خوب عمل کرد و همین باعث شد فشارهای بین‌المللی بر اقتصاد کشور کم شود و تا حدودی موانع بین‌المللی توسعه صنعتی تخفیف پیدا کرد، اما هنوز کاملا برطرف نشده است.

۶- سیاست‌های غلط اقتصادی دولت

صنایع کشور در سال‌های مختلف با مشکل رکود تورمی مواجه بود و اقتصاد کشور در کلیت وضعیت وخیمی پیدا کرد و به‌همین‌دلیل مردم به دولت جدید رأی دادند تا سیاست‌هایی اتخاذ کند تا با سیاست دولت قبل متفاوت باشد. دولت جدید متأسفانه ریشه مشکلات را به‌درستی تشخیص نداد و به جای توجه به موضوع رکود تورمی و بررسی علل بروز آن، مشکل را فقط در تورم خلاصه کرد و برای مقابله با تورم هم فقط یک ابزار پولی یعنی نرخ بهره مورد استفاده قرار گرفت. البته چنین سیاستی نیز همواره از طریق صندوق بین‌المللی به کشورها توصیه شده است. به‌هرحال، دولت به محض اینکه روی کار آمد از اهرم سیاست‌های پولی استفاده کرده و چنین نشان می‌داد مشکل کشور فقط تورم است و عامل آن هم فزونی و فشار تقاضا دیده می‌شد. بانک مرکزی نرخ سود بین‌بانکی را افزایش داد و شروع به فروش اوراق مشارکت کرد و بانک‌ها را به افزایش نرخ سود بانکی سوق داد. منابع بانکی به سمت فعالیت‌های مسکن، واردات و دولت هدایت شدند و نزدیک نیمی از منابع بانک‌ها در این سه بخش بلوکه شدند. با ایجاد رکود در مسکن، امید سیستم بانکی در فروش ساختمان‌های لوکس و تجاری به قیمت بالای ۲۵ تا ۳۰ میلیون از دست رفت و سیستم بانکی با تنگنای مالی مواجه شد. بانک‌ها برای جبران این کسری تلاش کردند نقدینگی را از بازار جمع‌آوری کنند و به‌اصطلاح می‌خواستند با یک تیر، دو نشان بزنند؛ از یک طرف هدف این بود که از تنگنای مالی خلاص شوند و از طرف دیگر، می‌خواستند تورم را پایین بیاورند. برای کاهش تورم کار به آنجا کشید که واردات هر نوع کالا آزاد شد. اما در اینجا به سایر مسائل توجه نشد. به عبارت دیگر، در طول سه سال اول دولت موضوعات مهمی مانند تولید، اشتغال، پیشرفت تکنولوژی، اصلاح ساختار اقتصادی، رفع موانع تولید، بهبود فضای کسب‌وکار، ایجاد نهادهای حامی تولید، کنترل فساد و رانت نادیده گرفته شد یا در حد حرف باقی ماند. نتیجه این شد که متأسفانه صنایع با مشکلات کمبود نقدینگی، نااطمینانی در سیاست‌های دولت و تغییر پی‌درپی سیاست‌ها و صرف منابع برای فعالیت‌های نمایشی مانند برقراری کنفرانس‌ها و سمینارهای متعدد و مسافرت‌ها تلف شد. هم‌اکنون اقتصاد کشور به بحران رکود تورمی عمیق گرفتار شده و فرصت‌های زیادی از دست رفته است و متأسفانه دیگر امکان اقدام جدی برای اصلاح وضعیت به‌ویژه برای برون‌رفت بخش صنعت از وضعیت رکود تورمی حاد از دست رفته و دیگر اقدام اساسی ناممکن و فقط اقدامات مقطعی، غیرمؤثر و گذرا امکان‌پذیر است که در بهترین حالت، موجب تخفیف مشکلات می‌شود، اما نمی‌تواند به صورت بنیادی و ریشه‌ای به اصلاح امور بپردازد.

دیررسیده‌ها نمی‌توانند فقط به «دست نامرئی» تکیه کنند

ادامه از صفحه ۱۱

همین سردرگمی در اتخاذ راهبرد صنعتی، در تلاش‌های ناموفقی که برای تهیه استراتژی توسعه صنعتی صورت می‌گیرد، نیز بازتاب یافته است. درحالی‌که ضرورت‌های توسعه صنعتی توصیه‌های مداوم کارشناسان مبنی بر لزوم اتخاذ راهبرد صنعتی را در پی داشت، تا برنامه سوم توسعه بحثی از استراتژی توسعه صنعتی به چشم نمی‌خورد، در برنامه‌های بعدی نیز استراتژی توسعه صنعتی به‌جای واگذاری به سازمان مدیریت به‌عنوان سازمان متخصص برنامه‌ریزی توسعه‌ای و سازمانی فرابخشی که امکان هماهنگی بخش‌ها را دارد، به یک دستگاه اجرائی (یعنی وزارت صنایع) واگذار شده و تجربه تهیه چهار سند استراتژی توسعه صنعتی در یک دهه گذشته در این وزارتخانه پرهزینه و کم‌ثمربودن این امر را نشان داده است.

گزارش مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد مسائلی مانند «غفلت از عوامل نهادی تثبیت‌کننده وضع موجود»، «تنگناهای برآمده از ضعف دانش و شیوه برنامه‌ریزی»، «گستردگی حوزه‌های جهت‌دهی برنامه»، «غفلت از آینده‌پژوهی به‌عنوان یک مبنای مهم برنامه‌ریزی»، «ضعف در طراحی مکانیسم اجرا و نظارت»، «تعیین‌نکردن استراتژی توسعه صنعتی در برنامه‌ها» و «ناهماهنگی سیاست‌های صنعتی»، «گرایش به حمایتگری بدون گزینش و بدون هدف‌های مشخص در دوره مشخص» و «برخورد دوگانه با تسهیلات ترجیحی» موجب دست‌نیافتن به نتایج مورد انتظار از برنامه‌های توسعه بوده است. همچنین این گزارش گزینشگری صنعتی را امری ناگزیر در فرایند برنامه‌ریزی توسعه‌ای دولت‌ها نشان داده و با مرور اسناد برنامه‌های توسعه، مشخص کرده این گرینش‌ها بدون جهت مشخص بوده است.

براین‌اساس، برنامه اول توسعه بیشتر بر «حمایت از صنایع سنگین»، برنامه دوم بر «حمایت مبتنی بر مزیت نسبی»، برنامه سوم توسعه بر «حمایت مالی از صنایع کوچک اشتغال‌زا»، برنامه چهارم توسعه بر «حمایت از مزیت‌های نسبی و رقابتی» و برنامه پنجم توسعه بر «حمایت از صنایع پتروشیمی، فلزات اساسی و محصولات معدنی غیرفلزی» تأکید کرده است.

این تنوع و تغییرپذیری راهبردهای صنعتی اتخاذی، سردرگمی برنامه‌های توسعه کشور را در تحول صنعتی نشان می‌دهد که حاصل آن در تحول‌نیافتن توان تولیدی و صادراتی کشور قابل ردیابی است.

در این گزارش وضعیت اقتصاد ایران در طول ۵۰ سال گذشته با اقتصادهای منتخب (چین، هند، کره‌جنوبی، برزیل، ترکیه و مالزی) بررسی و نتیجه‌گیری شده که اقتصاد ایران از موقعیت اولیه‌اش نسبت به این اقتصادها عقب مانده است. همچنین بررسی تحول ارزش افزوده بخش‌ها، تخریب بنیه تولیدی اقتصاد ملی را نشان می‌دهد که عامل این پسرفت جایگاه ایران محسوب می‌شود. درمجموع تحول صنعتی برای دستیابی به توسعه و کاهش شکاف جهانی امری ضروری بوده و این مهم جز با طراحی استراتژی توسعه صنعتی مناسب به دست نخواهد آمد.

با توجه به قرارداشتن در آستانه تصویب برنامه ششم توسعه، این گزارش پیشنهاد می‌دهد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به‌عنوان مرجع تهیه سند استراتژی توسعه صنعتی، مورد توجه قرار گرفته و برنامه‌های توسعه را مبتنی بر اقتضائات این استراتژی طراحی کند. البته لازم به ذکر است لایحه برنامه ششم توسعه که به مجلس قبل ارائه شد، فاقد حداقل‌های برنامه‌ای مورد نیاز برای تحول صنعتی بود، اما امید است دولت در ارائه مجدد لایحه به مجلس جدید، لوازم مورد نیاز طراحی استراتژی توسعه صنعتی را لحاظ کرده باشد.

اهداف دولت‌ها	برنامه اول	برنامه دوم
ارتقای توان دفاعی	بازسازی صنایع دفاعی آسیب‌دیده در جنگ	حمایت از توسعه صنایع الکترونیک
رقابت‌ژئوپلیتیک	– لزوم تولید داخلی محصولات وارداتی (جایگزینی واردات) – توسعه مناطق آزاد	حمایت از محصولات صادراتی دارای مزیت نسبی
کسب مشروعیت	– حمایت از صنایع کم‌ارزبر و اشتغال‌زا – حمایت از صنایع کاربر – استفاده از ماشین‌آلات و تکنولوژی محلی	– حمایت از صنایع اشتغال‌زا – حمایت از صنایع تبدیلی کشاورزی

اهداف دولت‌ها	برنامه سوم	برنامه چهارم
ارتقای توان دفاعی	حمایت از توسعه صنایع الکترونیک	حمایت از توسعه صنایع الکترونیک
رقابت‌ژئوپلیتیک	حمایت از تولید محصولات دارای مزیت نسبی	– حمایت از تولید محصولات دارای مزیت نسبی – حمایت از توسعه فناوری‌های نو گسترش مناطق آزاد
کسب مشروعیت	حمایت مالی از صنایع اشتغال‌زا	– حمایت مالی از صنایع اشتغال‌زا – گسترش نظام تأمین اجتماعی – اصلاح حکمرانی (حکمرانی شایسته)

اهداف دولت‌ها	برنامه پنجم
ارتقای توان دفاعی	حمایت از توسعه صنایع الکترونیک
رقابت‌ژئوپلیتیک	– حمایت از تولید محصولات مزیت نسبی – حمایت از صادرات محصولات معدنی انرژی‌بر
کسب مشروعیت	– حمایت از توسعه فناوری‌های نو گسترش مناطق آزاد – حمایت از توسعه بخش تعاون

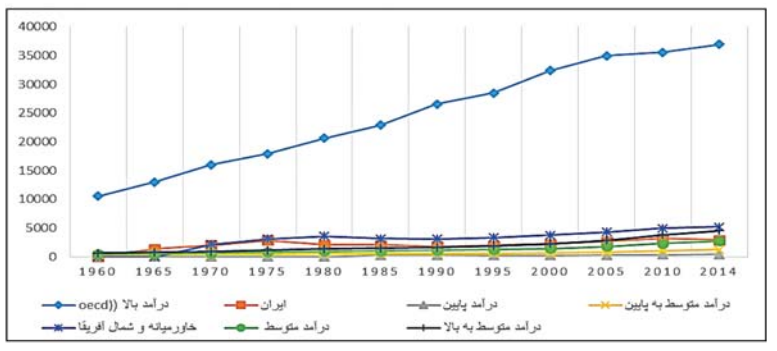

شکاف درآمد سرانه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه (۲۰۱۴-۱۹۶۰)

خبر

ورود کره‌ای‌ها به پروژه‌های عمرانی

● **ایلنا:** معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: کره‌ای‌ها برای ورود به انواع پروژه‌های آزادراهی و راه‌آهن بسیار مصمم و پیگیر هستند. علی نورزاد، با بیان اینکه کره‌ای‌ها برای سرمایه‌گذاری در آزادراه اهواز - اندیمشک اعلام آمادگی کرده‌اند، اظهار کرد: اطلاعات و پیشنهادهایی به کره‌ای‌ها برای ورود به این پروژه داده‌ایم، اما این پروژه هنوز به مرحله تفاهم‌نامه نرسیده است. وی درباره مشارکت صددرصدی یک شرکت ایتالیایی برای ساخت آزادراه همدان، گفت: رویکرد ما در مذاکره با ایتالیایی‌ها در این پروژه، همکاری به شکل BOT است، اما کره‌ای‌ها برای ورود به پروژه‌های آزادراهی بسیار پیگیر هستند. نورزاد ادامه داد: برای پروژه راه‌آهن قزوین- رشت به شرکت‌ها اعلام کردیم یک کنسرسیومی تشکیل دهند که کنسرسیومی هم ایجاد شده که هنوز به تفاهمات کلی نرسیده‌ایم. در پروژه راه‌آهن اصفهان- اهواز هم کنسرسیوم‌های مختلفی تشکیل شده که به محض قطعی‌شدن قرارداد با کره‌ای‌ها، این کنسرسیوم‌ها با حضور شرکت‌های داخلی فعال خواهند شد، اما هنوز میزان مشارکت‌ها مشخص نشده‌اند. نورزاد درباره دریافت وام از آذربایجان برای ساخت راه‌آهن قزوین-رشت گفت: در جلسات گذشته با یک بانک آذربایجانی مذاکراتی داشتیم و ارائه وام برای ساخت راه‌آهن قزوین- رشت- آستارا دستور رئیس‌جمهور این کشور است. مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل با تأکید بر اینکه در سفر مرداد رئیس‌جمهوری کشورمان به جمهوری آذربایجان قرارداد وام ۵۰۰میلیون‌دلاری آذری‌ها به ایران قطعی می‌شود، ادامه داد: طبق مذاکرات انجام‌شده، بهره این وام بسیار کم است و نرخ بهره آن ۲.۵ درصد حساب می‌شود. وی با اشاره به اعلام آمادگی شرکت‌های خارجی برای ورود به پروژه راه‌آهن قزوین- رشت- آستارا گفت: روس‌ها ادعا کردند تمایل به ورود به ساخت پروژه راه‌آهن قزوین - رشت - آستارا دارند، اما هنوز به مرحله تفاهم‌نامه و مراحل رسمی نرسیده است. ایتالیایی‌ها و چینی‌ها هم برای ساخت پروژه رشت-آستارا اعلام آمادگی کرده‌اند. معاون وزیر راه و شهرسازی درباره زمان افتتاح این پروژه گفت: کار اصلی پروژه قزوین - رشت ریل‌گذاری است و اگر تأمین مالی شود تا بهار سال ۹۶ به بهره‌برداری می‌رسد. اگر ذوب‌آهن بتواند ریل را در موعد مقرر تحویل دهد، می‌توان از ریل ملی در پروژه راه‌آهن قزوین- رشت استفاده کرد.